

Methods of privatization in different countries are heterogeneous in terms of different political and economic goals and objectives. In France, after the beginning of the nationalization movement of private companies and its full realization in the period 1989 to 2000 AD, which resulted in the spread of dissatisfaction resulting from the illegitimate bureaucracy of national companies, economic recession, etc. Privatization, as a viable solution to the deteriorating national status of companies, gained popularity among French thinkers and politicians. Therefore, in order to achieve this goal, the policy of French men considered the transfer of shares of national companies to the private sector as the most appropriate and efficient method of efficient privatization and planned their practical measures accordingly. Privatization was seriously on the agenda of the French government, but its most notable and obvious manifestations began with the Chirac government in 2002, and the process continues to this day. Many national companies have been privatized over the years, but it is important to note that French thinkers do not agree on the desirability of the measures taken, the positive economic effects, the successes and inefficiencies associated with the measures taken. To be.

Keywords: nationalization in France, privatization in France, effects of privatization in France, reasons for the success of privatization in France, reasons for the failure of privatization in France

### بررسی عملکرد خصوصی سازی در فرانسه

مقصود رنجبر<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

سید احمد حبیب نژاد<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

الهه خاصی<sup>۳</sup>

#### چکیده:

شیوه های مبادرت به خصوصی سازی در کشورهای مختلف، بر حسب مقاصد و غایات سیاسی و اقتصادی متفاوت، ناهمگون می باشند. در کشور فرانسه نیز پس از آغاز نهضت ملی سازی شرکت های خصوصی و تحقق کامل آن در برهه ی زمانی ۱۹۸۹ الی ۲۰۰۰ م که نتیجه ای جز اشاعه ی نارضایتی های منبعث از بروکراسی نامشروع شرکت های ملی، رکود اقتصادی و ... را در پی نداشت، خصوصی سازی به عنوان راهکاری مصلح و نائل به مطلوب در جهت زوال وضعیت ملی بودن شرکت ها، در میان اندیشمندان و سیاستمداران فرانسوی طرفدارانی پیدا نمود. لذا در مقام نیل به مقصود، سیاست مردان فرانسوی، انتقال سهام شرکت های ملی به بخش خصوصی را مناسب ترین و کارآمد ترین شیوه ی خصوصی سازی کارآمد قلمداد نموده و اقدامات عملی خود را بر همین اساس طرح ریزی نمودند فلذا از سال ۱۹۸۶ م، فرآیند خصوصی سازی به نحو جدی در دستور کار دولتمردان فرانسوی قرار گرفت اما شایان ترین و بارزترین جلوه های آغازین آن توسط دولت شیراک از سال ۲۰۰۲ م آغاز گردید و فرآیند مذکور تاکنون ادامه دارد. در این سالها بسیاری از شرکت های ملی به بخش خصوصی واگذار گردیدند اما نکته ی حائز اهمیت آن است که اندیشمندان فرانسوی در خصوص مطلوب واقع شدن اقدامات انجام شده، آثار مثبت اقتصادی، کامیابی ها و ناکارآمدی های مرتبط با اقدامات مبه عمل آمده هم نظر نمی باشند.

واژگان کلیدی: ملی سازی در فرانسه، خصوصی سازی در فرانسه، آثار خصوصی سازی در فرانسه،

علل موفقیت خصوصی سازی در فرانسه، علل ناکامی خصوصی سازی در فرانسه

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم؛<sup>۱</sup>

استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران؛<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم؛<sup>۳</sup>

از منظر و اندیشه‌ی لیبرالان کلاسیک نظیر اسمیت، دخالت دولت در عرصه‌ی اقتصاد، امری نامطلوب می‌باشد. طرفداران این مکتب همواره معتقد بر دخالت حداقل دولت‌ها در امور اقتصادی بوده و تنها عرصه‌ی مجاز ورود دولت را حوزه‌ی نظامی معرفی می‌نمایند. تا قبل از جنگ جهانی نخست، نظریه‌ی مرجع غالب اقتصاددانان اروپایی، اصول و انگاره‌های نظری مکتب کلاسیک بود، اما پس از جنگ جهانی اول (برهه‌ی زمانی ۱۹۳۹ الی ۱۹۳۳)، و پس از بروز آشفتگی‌های جدی در کشورهای غربی، ضرورت دخالت دولت در تسریع فرآیند بازسازی اقتصاد، محسوس گردید و مقبولیت نظریه‌ی لیبرالان کلاسیک تا حدودی مخدوش گردید. (فلدمن، ویلیام، ۲۰۰۶: ۲۰۱) در کشور فرانسه نیز دولتمردان سوسیالیست وقت، با اعتقاد به چنین منظری، از اوایل سال ۱۹۸۰، به اجرای طرح ملی سازی مبادرت نموده و در برهه‌ی زمانی ۱۹۸۰ الی ۲۰۰۰، بسیاری از شرکت‌های بزرگ صنعتی، شرکت‌های متصدی حمل و نقل عمومی، شرکت‌های ارائه‌دهنده‌ی خدمات ارتباطی، بانک‌ها و ارائه‌دهندگان خدمات پزشکی و ... را از مالکیت بخش خصوصی خارج گردانده و به بخش دولتی منتقل نمودند. (جکیلت، ۱۹۹۸، ۴۶) پس از تحقق و تکامل طرح ملی سازی به نحو مطلوب و مقصود دولت مردان فرانسوی، رفته رفته دولت فرانسه با تدابیر ناصحیح و اقدامات بروکراتیک خود، سبب کاهش میزان رفاه اجتماعی، و افزایش نارضایتی شهروندان خود گردید. میزان نارضایتی حاصله به میزانی بود که حتی برخی از کارکنان نهادهای دولتی، خود بر ناکارآمدی و ناکامی بنگاه اقتصادی متبوع خود اقرار می‌نمودند. در مقام تبیین و ارائه‌ی راه حلی مناسب، بسیاری از اندیشمندان فرانسوی، گرویدن به خصوصی سازی را به عنوان تنها ناجی اقتصاد فرانسه معرفی نمودند. در سال ۲۰۰۲ ژاک شیراک<sup>۱</sup> پیروز رقابت انتخابات ریاست جمهوری گردید و پس از مدت‌ها رییس جمهوری، خارج از حزب سوسیالیست فرانسه روی کار آمد. نخست وزیر وی جوزپین<sup>۲</sup> به نحو جدی در صدد عملی نمودن امر خصوصی سازی بود. در سال ۲۰۰۲ دولت راست مرکز ژان پیر رافارین<sup>۳</sup> چنین اعلام نمود: «ما در صدد عملی کردن کاهش نقش دولت از اقتصاد هستیم. به این ترتیب پرژه‌ی خصوصی سازی را به نحو موردی و با احتساب و مدنظر قرار دادن پتانسیل و منافع شرکت‌ها مورد بررسی قرار خواهیم داد. به نحو کلی هدف ما آن است که دولت از بخش رقابتی خارج شود، مگر آنکه منافع استراتژیک خاصی آن را نامطلوب جلوه نماید.» (برنه و پوگورل، ۲۰۰۴، ۵) لذا از سال ۲۰۰۲، مبادرت به فرآیند خصوصی سازی در کشور فرانسه آغاز گردید. از آن هنگام تا کنون همواره در خصوص شیوه‌های خصوصی سازی و موفقیت آمیز بودن عملکرد آن میان اندیشمندان فرانسوی اختلاف نظر وجود دارد.

با توجه به آن که خصوصی سازی تأسیسی شایع در تمامی کشورها می‌باشد و همواره کارآمدی تأسیس مذکور یکی از مهم ترین حوزه‌های اختلاف اندیشمندان اقتصادی و حقوقدانان هر کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، بررسی عملکرد

<sup>۱</sup> Jacques Chirac

<sup>۲</sup> Jospin

<sup>۳</sup> Jean Pierre Raffarin

<sup>۴</sup> «...We have a pragmatic approach to the state's role in the economy. As such, we will analyse capital release and privatisation projects case-by-case, taking particular account of companies' interests and the potential for alliances and development. This policy can only be envisaged over the full length of the term. In general, the state's aim is to withdraw from the competitive sector unless specific strategic interests make this undesirable...»

خصوصی سازی در کشور فرانسه و شرح موفقیت ها و ناکامی های میدانی در این حوزه، به عنوان یکی از سردمداران مبادرت به خصوصی سازی در جهان، می تواند به نحو موثری در کشف افق های فکری و پند آموزی از تجارب آنان موثر واقع گردد. لذا در این پژوهش نگارنده در صدد یافتن پاسخ به پرسش های ذیل می باشد:

۱. روش های خصوصی سازی در فرانسه کدام اند؟

۲. علل کامیابی ها و ناکامی های عملی خصوصی سازی در فرانسه کدام اند؟

۳. آیا خصوصی سازی نسخه ای کارآمد برای تمامی کشورها می باشد؟

### ۱. نحوه ی خصوصی سازی در فرانسه (شیوه ی انتقال - نظارت)

در کشور فرانسه خصوصی سازی در قالب انتقال شرکت های دولتی به بخش خصوصی محقق گردید. نحوه ی انتقال شرکت های دولتی به بخش خصوصی را به دو قسم اصلی می توان منقسم نمود: (جکیت، ۱۹۹۸، ۳۳)

۱ - فروش سهام شرکت های دولتی به بخش خصوصی؛ به میزانی که پس از انتقال، مالکیت بخش دولتی، به ثلث یا دو سوم کل سهام شرکت تنزل یابد. (فروش حداقل یک سوم سهام به بخش خصوصی)

۲ - انتقال اکثریت سهام شرکت های دولتی به بخش خصوصی در مواردی که شرکتی سابقاً خصوصی بوده است اما بنابر حکم قانون، به بخش دولتی منقل شده است و از زمان انتقال ۵ سال گذشته باشد. (به حکم وزیر اقتصاد)

طبق اصل ۳۴ قانون اساسی فرانسه، مبادرت به امر خصوصی سازی به عهده ی دولت می باشد در عمل نیز تصدی امور اجرایی فرآیند خصوصی سازی بر عهده ی آژانس سهامداری دولت<sup>۵</sup> - تحت نظر وزیر اقتصاد قرار گرفت. در ۶ آگوست ۱۹۸۶ نیز کمیسیون انتقال<sup>۶</sup> به منظور نظارت بر صحت عملکرد آژانس سهام داری تشکیل گردید. محور اصلی نظارت کمیسیون مذکور، فروخته شدن سهام به قیمت های مقرر و عدم رجحان برخی از متقاضیان خرید سهام به دیگر متقاضیان بود. پس از گذشت مدتی در سال ۱۹۹۳، حیطه ی اختیارات کمیسیون از جنبه ی نظارتی به جنبه ی تصویبی نیز ارتقا یافت؛ بدین شرح که برای تحقق برخی از خصوصی سازی های پیشنهادی توسط دولتمردان، (خارج از موارد مصوب توسط وزیر اقتصاد) تصویب و موافقت نامه ی کمیسیون، ضروری انگاشته شد. (مانند فروش سهام شرکت ایرفرانس) (جکیت، ۱۹۹۸، ۳۹)

پروژه ی خصوصی سازی بدین شرح آغاز گردید که وزیر اقتصاد فرانسه، فهرست شرکت های مشمول واگذاری را در قالب جدولی اعلام نمود و مشخصات مربوط به شرکت و سهام مذکور، توسط نهاد تنظیم بازار مالی فرانسه<sup>۷</sup> به عموم ابلاغ گردید اما قیمت سهام در اعلامیه ی مذکور به دلیل عدم محاسبات دقیق مشخص نگردیده بود و تعیین آن به بعد از ثبت درخواست متقاضیان موکول گردید. وزیر اقتصاد فرانسه وظیفه ی ثبت درخواستهای متقاضیان را به برخی از شعب بانک ها احاله نمود. بدین شرح که متقاضیان نام و قیمت پیشنهادی خود را به بانک ها اعلام نموده و پس از اتمام عملیات مذکور، با توجه به پیشنهادات مدون، وزیر اقتصاد ارزش سهام شرکت های مذکور را مشخص نموده و پس از آن فراخوان خرید قطعی به متقاضیان

<sup>۵</sup> APE - Agence Des Participations de L Etat

<sup>۶</sup> The Transfers Commission

<sup>۷</sup> AMF

اعلام گردید و متقاضیانی که نام آنها به ثبت رسیده بود دارای اولویت خرید اعلام شدند اما عده ای از متقاضیان پس از اعلام قیمت از خرید آن صرف نظر نمودند و مقداری از سهام عرضه شده عملاً خریداری نگردید. این میزان از سهام باقی مانده نیز به نحو پیشنهاد آزاد در بازار بورس به فروش رسید؛ بدین شرح که وزیر اقتصاد حداکثر قیمت سهام را اعلام نمود و سهام به بالاترین پیشنهاد دهنده ی قیمت در بازار بورس منتقل گردید. نکته ی قابل توجه آن است که در این فرآیند، بانک ها تنها وظیفه ی ثبت اطلاعات را بر عهده داشتند و انتقال نهایی در آژانس سهامداری دولت محقق می گردید. همچنین بنا بر تصمیم وزیر اقتصاد، انتقال سهام برخی از شرکت های دولتی در قالب انتشار اوراق قرضه ی قابل تبدیل به سهام محقق گردید. (دورویی، ۱۹۸۸، ۲۱)

التهایه در موج اول خصوصی سازی (۱۹۸۰ الی ۲۰۰۳) انتقال سهام به بخش خصوصی از سه طریق ذیل محقق گردید: (جکیلت، ۱۹۸۸، ۴۲)

۱ - عرضه ی مستقیم (فروش با همکاری بانک ها، در آژانس سهامداری دولت)

۲ - عرضه از طریق بازار بورس؛

۳ - انتشار اوراق قرضه ی قابل تبدیل به سهام؛

نکته ی مهم در این خصوص آن است که دولت مکلف است در صورت وجود کارمندان مشمول برنامه ی پس انداز شرکت، ۱۰ درصد از سهام انتقالی را با احتساب ۲۰ درصد تخفیف به آنان پیشنهاد دهد یا برای پرداخت مبلغ، به آنان مهلت مناسبی اعطا نماید.

از سال ۲۰۰۲ به بعد، قالب دیگری از انحاء انتقال، در فرآیند خصوصی سازی فرانسه پدیدار گردید؛ بدین شرح که برخی از شرکت های دولتی به وزیر اقتصاد فرانسه پیشنهاد مبادله ی سهام با بخش خصوصی را مطرح نمودند؛ بدین شرح که شرکت دولتی، در نتیجه ی توافق سابق با شرکت خصوصی مشخصی، قصد مبادله ی سهام خود را به وزارت اقتصاد اعلام می نمود و در صورت صلاحدید وزیر اقتصاد، به موجب عقد معاوضه، قسمت هایی از سهام شرکت دولتی و خصوصی به یکدیگر تملیک می گردید و از آن پس شرکت دولتی، تابع مقررات شرکت های خصوصی قرار می گرفت. برای مثال در سال ۲۰۰۳، شرکت ایر فرانس<sup>۸</sup> و در سال ۲۰۰۵، شرکت اسنکما<sup>۹</sup> با شرکت خصوصی ساگم<sup>۱۰</sup>، از این طریق نسبت به مبادله ی سهام اقدام نمودند. (جکیلت، ۱۹۸۸، ۴۲)

با تحقق پاره ای از فسادهای دولتی توسط دولتمردان و اعضای کمیسیون انتقال،<sup>۱۱</sup> کمیسیون مذکور در تاریخ ۲۰ آگوست ۲۰۱۴، با تغییرات ساختاری مواجه گردید؛ کمیسیون جدید متشکل از ۷ نفر از میان اقتصاددانان و حقوقدانان برای مدت شش سال می باشد که توسط وزیر اقتصاد منصوب می گردند. به منظور کاهش احتمال تحقق فساد مجدد، چنین مقرر گردید که

<sup>۸</sup> Air France

<sup>۹</sup> Snecma

<sup>۱۰</sup> Sagem

<sup>۱۱</sup> فسادهایی نظیر ایجاد رانت در انتقال سهام، عدم واگذاری سهام شرکت ها به برخی از اشخاص معین به سبب اختلافات سیاسی، اختلاس وجوه و ...

اعضای مذکور تا مدت ۵ سال پس از خاتمه ی مأموریت خویش، حق عضویت در هیئت مدیره ی شرکت های خصوصی شده را ندارند. (برنه و پوگورل، ۲۰۰۴، ۴)

طبق اظهارات وزیر اقتصاد وقت، اهداف کمیته ی جدید انتقال به شرح ذیل بوده است:

- محافظت از دارایی های عمومی؛
- شفاف سازی انتخاب خریداران است؛
- نظارت کامل بر واگذاری مستقیم سهام؛
- شرح تفصیلی فرآیند انتقال، پس از واگذاری هر شرکت به بخش خصوصی؛

لذا از این تاریخ به بعد فرآیند خصوصی سازی با تشریفات جدیدی مواجه گردید..

در خصوص انتقال مستقیم سهام به بخش خصوصی و انتقال غیر مستقیم (اوراق قرضه و عرضه ی عمومی در بورس) شرکت های دولتی با بیش از هزار کارکن یا گردش مالی بیش از ۱۵۰ میلیون یورو، تشریفات ذیل ضروری قلمداد گردید:

۱- ضرورت تأیید قیمت مقرر برای انتقال سهام توسط کمیسیون؛

۲- ضرورت تأیید روش انتقال؛

۳- ضرورت تأیید خریداران؛

۴- ضرورت تأیید شرایط فروش؛

۵- ضرورت بررسی و تأیید حفظ منافع عمومی در انتقال؛

النهایه برای هر انتقال به بخش خصوصی، آژانس سهامداری دولتی مکلف به اخذ تأیید نامه از کمیسیون مذکور می باشد و کمیسیون ذیحق خواهد بود تا در هر مرحله از فرآیند، در صورت صلاحدید و مشاهده ی اعمال مفسدانه، نسبت به فسخ تأییدیه ی خود اقدام نماید. (برنه و پوگورل، ۲۰۰۴، ۴)

## ۲. شرح عملکرد خصوصی سازی در فرانسه

### ۱- ۱۹۸۶ الی ۱۹۸۸

در سال ۱۹۸۶ دولت ژاک شیراک اقدام به تهیه ی طرح اولیه ی خصوصی سازی نمود. در طرح مذکور، انتقال ۶۵ شرکت دولتی در برهه ی زمانی ۵ ساله مقرر گردید. در سال ۱۹۸۷، پروژه ی مذکور آغاز گردید اما به سبب تغییر حاکمیت در بهار ۱۹۸۸، انتقال سهام عملاً محقق گردیده، مطابق با برنامه ی مقرر پیش نرفت. النهایه تا سال ۱۹۸۸، شرکت های ذیل به بخش خصوصی منتقل شدند: (زاهاریادیس، ۱۹۹۵، ۶۸)

شرکت های خدماتی	شرکت های فناوری	شرکت های صنعتی
-----------------	-----------------	----------------

هاواس (۱۹۸۷)	پاریاس (۱۹۸۷)	سینت گوین (۱۹۸۶)
تی اف وان (۱۹۸۷)	سوگنال (۱۹۸۷)	آلکاتل (۱۹۸۷)
	بی تی پی (۱۹۸۷)	ماترا (۱۹۸۸)
	بی آی ام پی (۱۹۸۷)	
	سی سی اف (۱۹۸۷)	

## ۲-۲ ۱۹۸۸ الی ۱۹۹۳

در این برهه از زمان، دولتی بر سرکار آمد که بر خلاف ژاک شیراک موافق فرآیند خصوصی سازی در مفهوم کلاسیک و حقیقی آن نبود. با انتخاب میتران به سمت ریاست جمهوری در سال ۱۹۸۸، و ورود اکثریت جناح چپ به مجلس ملی فرانسه، سیاست "نه ملی شدن و نه خصوصی سازی" در فرآیند خصوصی سازی سرلوحه ی عمل واقع گردید. دولتمردان حاکم بر آن نظر بودند که با تحقق خصوصی سازی (در معنای کلاسیک) کنترل بخش اقتصادی کشور به طور کلی از حیطه ی اقتدار حکومت خارج می گردد و در نهایت بخش خصوصی، به استعمار مردم روی خواهد آورد از طرفی امکان تحقق این فساد از طرف دولتمردان نیز قابل تصور است؛ لذا این طیف سیاسی، خصوصی سازی را در حد ایجاد موازنه ی قدرت منصفانه و متعادل بین بخش خصوصی و دولتی مطلوب و کارآمد می دانستند. به همین سبب از منظر این طیف، انتقال اکثریت سهام شرکت های دولتی به بخش خصوصی امری ناصحیح تلقی گردیده و انتقال حد اکثر ثلث سهام از نظر آنان کارآمدتر به شمار می رفت و در نهایت نیز چنین سیاستی در فرآیند خصوصی سازی در این برهه اتخاذ گردید. النهایه شرکت های ذیل در این دوره به نحو ناقص به بخش خصوصی منتقل گردید: (حدود یک سوم سهام) (زاهاریادیس، ۱۹۹۵، ۷۱)

پیچینی	۱۹۸۹
کردیت لیونیز	۱۹۸۹
گن	۱۹۹۰
ای جی اف	۱۹۹۰
الف اکتین	۱۹۹۱-۱۹۹۲
کردیت لوکال د فرانسه	۱۹۹۱-۱۹۹۳
رینالت (رنو)	۱۹۹۰
بول	۱۹۹۱
ای جی اف	۱۹۹۲
توتال	۱۹۹۲

## ۲-۳ ۱۹۹۳ الی ۱۹۹۷

در انتخابات سال ۱۹۹۳، جناح چپ حاکم، جای خود را به جناح راست موافق خصوصی سازی کلاسیک داد و در سال ۱۹۹۵، مجدداً ژاک شیراک به مقام ریاست جمهوری نائل گردید و مجدداً خصوصی سازی در معنای واقعی کلمه در دستور کار دولت

قرار گرفت. در سال ۱۹۹۳، تعداد ۲۲ شرکت دولتی، توسط مجلس در دستور کار فرآیند خصوصی سازی قرار داده شد؛ ۲۲ شرکت مذکور، شماری از شرکت های مقرر در لیست ۱۹۸۶ بود، که در برهه ی زمانی مقرر، انتقال آنان ناکام مانده بود. از جمله شرکت های اروسپاسیال، ایر فرانس، سی سی آر، اسنکما، سیتا، رینالت، سی جی ام، سی ان پی و یوزینور.<sup>۱۲</sup>

التهایه به طور کلی شرکت های ذیل در این برهه ی زمانی منتقل گردیدند: (رابرت، ۲۰۱۶، ۱۳۹)

شرکت های خدماتی	شرکت های فناوری	شرکت های صنعتی
سی جی ام (۱۹۹۶)	بی ان پی (۱۹۹۳)	رون پولنس (۱۹۹۳)
	یو ای پی (۱۹۹۴)	الف اکتین (۱۹۹۴)
	بی اف سی ای (۱۹۹۶)	رینالت (رنو) (۱۹۹۴ الی ۱۹۹۶)
	بانکو لایدرنیر (۱۹۹۶)	پیچینی (۱۹۹۵)
	ای جی اف (۱۹۹۶)	سیتا (۱۹۹۵)
		یوزینور (۱۹۹۵)
		بول (۱۹۹۵ الی ۱۹۹۷)

#### ۴-۲ ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۲

در سال ۱۹۹۷، با سرکارآمدن دولت ژوزفین، فرآیند خصوصی سازی کماکان به قوت پیشین خود ادامه یافت با این تفاوت که دولت مذکور، در اعمال و اقدامات خود، به نحو جدی به توسعه ی همکاری های صنعتی با کشورهای اتحادیه ی اروپا توجه داشت و پس از تحقق خصوصی سازی، در صدد جلب سرمایه گذاری خارجی در حوزه ی صنعت کشور فرانسه بوده و در این راستا مجاهدت های فراوانی نمود؛ از نظر وی تحقق خصوصی سازی بدون حمایت لاحق از بخش خصوصی، سبب عقیم ماندن اهداف خصوصی سازی گردیده و رشد و توسعه ای برای شرکت های منتقل شده به ارمغان نخواهد آورد.

همچنین توجه به خصوصی سازی در زمینه ی خدمات، یکی دیگر از نقاط قوت و وجوه برتری وی نسبت به سیاستمداران پیشین خود بود.

التهایه در زمان تصدی وی، شرکت های ذیل به بخش خصوصی منتقل گشتند: (رابرت، ۲۰۱۶، ۱۴۱)

شرکت های خدماتی	شرکت های فناوری	شرکت های صنعتی
فرنس تلکام (۱۹۹۷ الی ۲۰۰۰)	گان (۱۹۹۸)	تیلز (۱۹۹۸ الی ۲۰۰۱)

<sup>۱۲</sup>Aerospatiale, Air France, CCR, CNP, CGM, Renault, SEITA, SNECMA and Usinor.



تامسون مولتی مدیا (۱۹۹۸-۲۰۰۲)	سی ان پی (۱۹۹۸)	کیسیا (۱۹۹۸)
اروسپاتیل (۱۹۹۹-۲۰۰۰)	سی آی سی (۱۹۹۸)	ایر فرنس (۱۹۹۹)
رینالت (رنو) (۲۰۰۲)	کردیت لیئونیس (۱۹۹۹)	سوشیته فرانسس د پروداکشن (۲۰۰۱)
	بانکو هاروت (۲۰۰۱)	اوتوروتر دو ساد د لا فرانسه (۲۰۰۲)

### ۵-۲ ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۷

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲، مجدداً ژاک شیراک به سمت ریاست جمهوری انتخاب گردید. در ژانویه ی ۲۰۰۵، شیراک تصمیم بر خصوصی سازی بزرگراهها و در دسامبر ۲۰۰۶ تصمیم بر خصوصی سازی شرکت های حوزه ی انرژی گاز گرفت.

در این راستا شرکت های ذیل در زمان تصدی وی به بخش خصوصی منتقل شدند: (رابرت، ۲۰۱۶، ۱۴۲)

شرکت های خدماتی	شرکت های فناوری	شرکت های صنعتی
فرنس تلکام (۲۰۰۳-۲۰۰۵)	کردیت لیونیز (۲۰۰۲)	تامسون (۲۰۰۳)
ایر فرنس کی ال ام (۲۰۰۴)	سی دی سی اکسیز (۲۰۰۴)	رینالت (۲۰۰۳)
موتور ویز (۲۰۰۶)	سی ان سی ای (۲۰۰۶)	اسنکما (۲۰۰۳-۲۰۰۵)
اروپورتس د پاریس (۲۰۰۶)		گاز د فرنس (۲۰۰۵)
		الکتریسیته د فرنس (۲۰۰۵)
		تیلز (۲۰۰۷)
		دی سی ان اس (۲۰۰۷)

در سال ۲۰۰۷ سارکوزی برنده ی انتخابات ریاست جمهوری گردید و روند خصوصی سازی را ادامه داد:

(رابرت، ۲۰۱۶، ۱۴۳)

شرکت های خدماتی	شرکت های فناوری	شرکت های صنعتی
فرنس تلکام (۲۰۰۷)	کادچ (۲۰۱۰)	ای دی اف (۲۰۰۷)
سماریس (۲۰۰۷)		گاز د فرنس (۲۰۰۸)
اروپورتس د پاریس (۲۰۰۸)		داگریس (۲۰۰۸)
ادیت (۲۰۱۱)		آروا (۲۰۱۰)
ترم د اکس لس برنس (۲۰۱۱)		

در ماه می ۲۰۱۲ فرانسوا اولاند برنده ی ریاست جمهوری گردید و اکثریت جناح چپ نیز در انتخابات عمومی مجلس پیروز شدند. شرح خصوصی سازی در این دولت به شرح ذیل می باشد: (رابرت، ۲۰۱۶، ۱۴۴)

شرکت های خدماتی	شرکت های صنعتی
اروپورتز د پاریس (۲۰۰۸)	سافران (۲۰۱۳ الی ۲۰۱۵)
آرنج (۲۰۱۴ الی ۲۰۱۵)	جی دی اف سوئز (۲۰۱۴ الی ۲۰۱۵)
اروتوس بلگ نگ (۲۰۱۵)	نکستر (۲۰۱۵)

گزارش و شرح عملکرد رسمی خصوصی سازی در این برهه ی زمانی، منتشر نشده است.

### ۳. آثار خصوصی سازی بر اقتصاد فرانسه

#### ۱- ۳ کاهش قیمت برخی از کالاها

پس از تحقق گسترده‌ی خصوصی سازی در فرانسه، قیمت کالاهایی نظیر اتومبیل و مسکن در عنوان سال های ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۲ تا حدودی تنزلی مطلوب یافت. اما در حوزه‌ی خدمات، در شرکت های خصوصی شده‌ی فعال این حوزه، در قیاس با شرکت های تولیدی دیگر تغییر قیمت مساعدی به نفع مردم محقق نگردید. عده‌ای از کارشناسان فرانسوی، علت چنین امری را وجود کنترل دولتی بر نرخ قیمت های حوزه‌ی خدماتی پس از تحقق خصوصی سازی معرفی نموده‌اند. (رابرت، ۲۰۱۶، ۱۴۴)

عده‌ای دیگر، علت کاهش قیمت خودرو و مسکن را از دست‌آوردهای مثبت خصوصی سازی تلقی نمی‌نمایند بلکه ریشه‌ی این تغییر به ظاهر مثبت را در فقر عمومی و فقدان تقاضا در بازار معرفی نموده‌اند. بدین شرح که با توجه به پیری جمعیت و پایین بودن نرخ اشتغال، مردم هر روز فقیرتر گردیده و نهایتاً بازار مسکن و اتومبیل به رکود قابل توجهی رسیده است و چنین امری سبب تنزل قیمت‌ها گردیده است. (رابرت، ۲۰۱۶، ۱۵۶)

با این حال نظر اکثریت حقوقدانان و اقتصاددانان فرانسوی، تأثیر پذیری امر از خصوصی سازی موفق در فرانسه می‌باشد. بدین شرح که با رفع حصر در امر تولید و عملکرد تخصصی بخش خصوصی در بازار رقابتی، کیفیت تولید ارتقا یافته و به سبب افزایش رقابت، قیمت‌ها شکسته شدند.

#### ۲- ۳ افزایش مالیات ها

پس از انتقال شرکت‌ها به بخش خصوصی، درآمد دولت‌ها از طریق مالیات افزایش یافت؛ ترازنامه‌ی بسیاری از شرکت‌ها موید آن بود که میزان مالیات پرداختی توسط شرکت‌های خصوصی، به نسبت زمان دولتی بودن با افزایش چشم‌گیری مواجه گردیده است. برای مثال بررسی آمار شرکت تلکام فرانسه مبین آن است که در سال ۱۹۹۷، مبلغی بالغ بر ۳۰۰ میلیون یورو، اضافه پرداخت مالیاتی داشته است. چنین امری از دو منظر سبب برانگیخته شدن آراء صاحب نظران گردید. (جکیلت، ۱۹۹۸، ۲۰۲)

برخی از موافقان از منظر نفع عمومی، چنین امری را امری مثبت نگرینده‌اند؛ با این توجیه که یکی از مقاصد اصلی خصوصی سازی، افزایش بودجه‌ی کشور و کسب درآمد می‌باشد لذا چنین دست‌آوردی را نشان دهنده‌ی کارآمدی صحیح خصوصی سازی در کشور فرانسه می‌دانند. (جکیلت، ۱۹۹۸، ۲۰۲)

از طرفی عده‌ای دیگر در مقام نقد مبتنی بر منظر حمایت از بخش خصوصی، افزایش مالیات مذکور را، سبب فشار بر بخش خصوصی و مانعی برای امر تولید تلقی نموده‌اند و در ادامه چنین اذعان نموده‌اند که افزایش مالیات‌ها در کشور فرانسه، افزایشی تورمی و غیر حقیقی می‌باشد؛ بدین شرح که افزایش میزان مالیات، در قیاس با دامنه‌ی عملکرد شرکت‌ها، آمار نیروی انسانی، آمار تجهیزات و درآمد حاصل، همخوانی ندارد. برای مثال هنگامی که به عملکرد شرکت تلکام نگرینده می‌شود، کاملاً مشهود است که آمار کارکنان آن در طی سالهای ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۲، از ۱۶۰،۷۰۰ به ۱۴۱،۱۰۰ رسیده است و هر کارگر مسئول

۲۴۱ لاین تلفن ثابت و ۱۳۶ لاین موبایل و ۲۸ لاین اینترنت بوده است و این در حالی است که در سال ۱۹۹۶، هر کارگر مسئول ۲۰۲ لاین تلفن ثابت، ۱۰ لاین موبایل بوده است. لذا اکثر شرکت های خصوصی، به سبب سنگین بودن هزینه ها، مجبور به کاهش نیروی کار خود بوده اند و در نهایت با توسل به چنین مسائلی، قادر به کسب سود سالانه گردیده اند و أخذ مالیات های چندین برابر، به شدت سبب ناکارآمدی و از پافتادگی شرکت های خصوصی گردیده است. (رابرت، ۲۰۱۶، ۱۶۳)

برخی دیگر در این خصوص چنین بیان نموده اند که کاهش نیروی کار توسط شرکت ها، به سبب مزاد بر نیاز بودن نیروهای کار و فساد سابق دولتمردان دولتی بوده است. (برنه و پوگورل، ۲۰۰۴، ۶)

در هر حال بسیاری از حقوقدانان و اقتصاددانان، بر بالا بودن نرخ مالیات ها در کشور فرانسه، متفق القول می باشند.

### ۳-۳ افزایش بهره وری نیروی انسانی

در سال ۱۹۹۶ تعداد زیادی از کارکنان مسن بازنشسته شدند و به سبب توسعه ی خصوصی سازی، بسیاری از کارکنان در آستانه ی بازنشستگی با احتساب نامعین بودن وضعیت خود پس از خصوصی سازی و احتمال به خطر افتادن منافعی (نظیر تقلیل حقوق بازنشستگی پس از اشتغال در واحد خصوصی شده و ...) خود را بازخرید نمودند. لذا بسیاری از شرکت های در آستانه ی خصوصی سازی، با کمبود نیروی کار مواجه بودند و بخش خصوصی، مختار در استخدام و انعقاد قرار داد کار با نیروهایی گردید که خود آنها را صالح و کارآمد می دانست. لذا استفاده از نیروهای کار متخصص در شرکت های خصوصی، به نحو موثری سبب افزایش بهره وری شرکت ها گردید. (برنه و پوگورل، ۲۰۰۴، ۲۱)

### ۳-۴ کاهش فسادهای دولتی

در برهه های زمانی ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۳ فساد دولتی در فرانسه، به حد بی شماری فزونی یافته بود. فسادهایی نظیر رانتخواری، پولشویی دولتی، قاچاق کالا و ... که غالب جرایم مذکور در قالب و از طریق شرکت های دولتی محقق می گردید. یکی از دستاوردهای مثبت خصوصی سازی در این کشور، کاهش فسادهای دولتی بود. به عنوان مثال در حوزه ی اعطای امتیاز اینترنت، چنین کاشف به عمل آمد که شرکت تلکام سالیان طولانی، با توجه به انحصار وجود داشته، با دریافت رشوه های کلان و مبالغ هنگفت امتیاز اینترنت را برای برخی از صاحبان خطوط تلفن برقرار می نمود. یا به عنوان مثالی دیگر، می توان به مدیران شرکت سوگنال اشاره نمود که با دریافت رشوه های هنگفت اشخاص بسیاری را به عنوان نیروی کار متخصص استخدام نموده بود و .... (گیتنر، ۲۰۱۲، ۸۴)

### ۴. علل موفقیت خصوصی سازی در کشور فرانسه

#### ۴-۱ فساد زدایی

به عقیده‌ی عده‌ای از اقتصاددانان، مهم‌ترین علت کارآمدی خصوصی سازی در فرانسه، خصوصی سازی سازه‌فی نبوده است؛ بلکه اخراج عملی و غیر تعمدی مدیران و عوامل فاسدی بوده است که در سال‌های ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۳ با اقدامات خود سطح فساد اقتصادی را تا حد قابل توجهی، در این کشور بالا برده بودند. لذا با انتقال شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی و با روی کارآمدن متخصصان در حوزه‌ی مدیریت این شرکت‌ها، بسیاری از انحصارات در هم نوردیده شد و کارآیی بخش خصوصی جلوه نمود. (گیتنر، ۲۰۱۲، ۸۷) برخی از اندیشمندان فرانسوی که از فرانسه به کشورهای دیگر مهاجرت نموده‌اند با صراحت و جزئیات بیشتری در این خصوص اظهار نظر نموده‌اند. برای مثال عده‌ای به نحو صریح در خصوص مدیران شرکت‌ها و اس‌ها در حوزه‌ی تبلیغات رسانه‌ای فعالیت می‌نموده است چنین افشاگری نموده‌اند که مدیران شرکت در سال ۱۹۹۹ با اخذ رشوه و تبانی گسترده با بسیاری از اشخاص حقیقی و حقوقی، از قبول پروژه‌های تبلیغاتی برخی از بنگاه‌ها، استنکاف می‌نمودند یا با اعلام قیمتی بسیار گزاف، آنها را از عملیات تبلیغاتی منصرف می‌نمودند یا به عنوان مثال دیگر مدیران شرکت تلکام نیز با عملکردی نسبتاً مشابه مرتکب فسادهای اقتصادی بی‌شماری گردیده‌اند و بسیاری از شرکت‌های دیگر، با فسادهای گسترده که دولت فرانسه به طور کامل از انتشار اخبار آنها جلوگیری کرده است، سبب ناکارآمدی‌های گسترده‌ی اقتصادی گردیده بودند. لذا با اخراج عملی آنان بسیاری از این فسادهای برچیده شد. (گونو، ۲۰۱۲، ۹۳)

## ۲-۴ وجود نظارت‌های کمیسیون انتقال

در بحث‌های پیشین چنین بیان گردید، که به سبب فساد و تبانی برخی از اعضای کمیسیون انتقال، کمیسیون مذکور در سال ۲۰۱۴، با تغییر ساختار و اخراج برخی از نظار مواجه گردید. فسادهای محقق شده به نحو موردی و بسیار اندک بوده است و در حدی شایع و فراگیر نبوده است که عملکرد اساسی کمیسیون را تا زمان تغییر ساختار مختل نماید.

بسیاری از کارشناسان فرانسوی موفقیت آمیز بودن فرآیند خصوصی سازی در این کشور را وامدار نظارت و بررسی‌های دقیق این کمیسیون دانسته‌اند. برخی در این خصوص چنین آورده‌اند که: «اگر اقدامات هوشمندانه‌ی کمیسیون انتقال نبود، فرآیند خصوصی سازی می‌توانست تبدیل به استعماری نوین در اقتصاد فرانسه شود و موج جدیدی از فساد را ایجاد کند». (جکلیت، ۱۹۹۸، ۶۳) در مقام شرح و تعلیل چنین عباراتی، عده‌ای چنین بیان نموده‌اند که بسیاری از دولتمردان و مدیران وقت شرکت‌های دولتی، پس از آغاز فرآیند خصوصی سازی به نحو غیر مستقیم در صدد تصاحب شرکت‌های مذکور برآمدند؛ بدین نحو که توسط فرزندان، اقربا و دوستان خود قصد خرید قسمت عمده‌ای از سهام شرکت‌های مذکور را داشته و در مواردی نیز به چنین هدفی نایل گردیدند اما کمیسیون انتقال در بسیاری از موارد با شناسایی چنین مواردی، از تحقق انتقال جلوگیری به عمل آورد و پس از تغییر ساختار در سال ۲۰۱۴، که محقق در ابطال عملیات‌های در حین اجرا یا سابقاً اجرا شده گردید نسبت به فسخ و اعاده‌ی سهام منتقل شده اقدام نمود. به عنوان یکی از مثال‌ها می‌توان به جریان خصوصی سازی شرکت ماترا در سال ۱۹۸۸، اشاره نمود که مدیر دولتی وقت، توسط فرزندان و اقارب خویش در صدد خرید چهل درصد سهام شرکت برآمده بود و با پیشنهاد مبلغی گزاف توسط آنان اقدام به ثبت نام آنان در بانک محال علیه نموده بود که کمیسیون مذکور، با عنایت به بالا بودن رقم ارائه شده توسط یازده نفر، نسبت به پیشامد مذکور مشکوک گردید و پس از بررسی تفصیلی بر تبانی محقق، عالم گشته و شرح ماقوع را به وزیر اقتصاد وقت اعلام نمود. (گیتنر، ۲۰۱۲، ۱۰۲)

التهایه وجود نهاد نظارتی مذکور، یکی از اسباب علل موفقیت خصوصی سازی در این کشور معرفی شده است.

### ۳-۴ رقابت اقتصادی

در مبحث فسادهای دولتی، چنین بیان گردید که بسیاری از مدیران فاسد، با انحصار و تبانی، سبب افزایش قیمت ها و عدم ارائه ی سرویس به عده ای از شهروندان شده بودند. اندیشمندان فرانسوی، مهم ترین علت اقتصادی توسعه ی نسبی محقق شده پس از خصوصی سازی را، شکست انحصار، رقابت در تولید و عرضه ی عادلانه ی کالاها و خدمات به تمام شهروندان می دانند. به عنوان مثال شرکت هاواس با اخذ رشوه، از ارائه ی خدمت به بسیاری از واحدهای اقتصادی استنکاف می نمود یا برخی چنین بیان نموده اند که سالیان سال، شرکت آکاتل به موجب تبانی با شرکت اروسپاتیل، از ساختن بی سیم های نظامی به نفع شرکت اروسپاتیل کناره گیری می نموده است و بسیاری از موارد دیگر... (گیتنر، ۲۰۱۲، ۱۰۲)

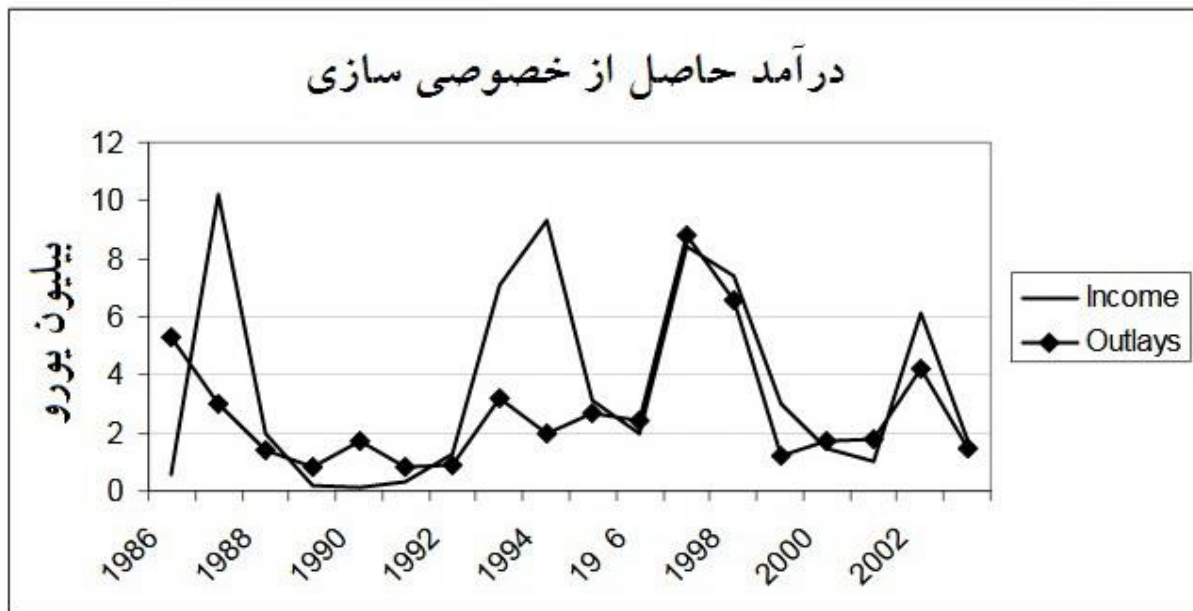
یکی دیگر از عوامل تسریع کننده ی رقابت اقتصادی، رفع موانع تولید با تحقق خصوصی سازی بوده است. برخی چنین اظهار نظر نموده اند که امر تولید در بسیاری از شرکت های خصوصی سازی، به سبب کمبود سوخت، مواد اولیه و ... با مشکلات فراوانی مواجه بوده است و یکی از علل کمبودهای مذکور، عدم ارائه ی مواد اولیه ای چون نفت از جانب شرکت های نظیر الف بوده است. پس از تحقق خصوصی سازی شرکت های حوزه ی انرژی، با ارائه ی خدمات و مواد اولیه ی منصفانه، امر تولید در بخش خصوصی را به نحو چشم گیری متحول نمودند. افزایشی تولید شرکت پژو، از دستاوردهای مهم همین حوزه ی اختلالی بوده است که پس از خصوصی سازی به نحو چشم گیری بهبود یافته و به سبب افزایش تولید و رقابت با شرکت رنو، قیمت خودرو به نحو چشم گیری در این کشور تنزل یافت. (جکلیت، ۱۹۹۸، ۶۲)

### ۵. علل ناکارآمدی

#### ۱-۵ اختلاف نظر دولت مردان

خصوصی سازی در کشور فرانسه در برهه های زمانی تصدی هر یک از روسای جمهوری، با تغییر رویکردهایی مواجه گردید. رویکرد تنوریک ژاک شیراک به عنوان سرآمد اصلی خصوصی سازی در فرانسه در سال های ۱۹۸۶ الی ۱۹۸۸، انتقال دو سوم سهام شرکت ها به بخش خصوصی و واگذاری کنترل شرکت ها به خود سهامداران بود اما در برهه ی زمانی ۱۹۸۸ الی ۱۹۹۳، دولت سرکارآمده، انتقال سهام را به منظور حفظ نظارت و کنترل دولتی، به یک سوم کاهش داد و روند خصوصی سازی را عملاً با مشکلاتی مواجه نمود. در این برهه، اختلافات فراوانی میان کمیسیون انتقال و دولت میتران ایجاد گردید و نظر کمیسیون بر آن بود که کاهش میزان انتقالات در این برهه، سبب ناکارآمدی بخش خصوصی می گردد. (برنه و پوگورل، ۲۰۰۴، ۲۱) یا به عنوان مثالی دیگر در بازه ی زمانی ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۲، دولت ژوزفین به منظور توسعه ی اقتصادی و ارتقای بهره وری بخش خصوصی، سیاست سرمایه گذاری خارجی را خط مشی اصلی اقتصاد فرانسه مقرر نمود.

التهایه پارادوکس عملکرد خصوصی سازی در این کشور را می توان در نمودار ذیل مشاهده نمود:



## ۲-۵ سرمایه گذاری های خارجی و وابستگی اقتصادی

برخی از اندیشمندان، فروش سهام شرکت های دولتی به بیگانگان را عاملی برای ناکارآمدی فرآیند خصوصی سازی در بلند مدت و وابسته ساختن اقتصاد فرانسه به کشورهای بیگانه دانسته اند. در جدول ذیل آمار مالکیت بیگانگان در شرکت های خصوصی شده بیان شده است: (برنه و پوگورل، ۲۰۰۴، ۴۰)

شرکت	حوزه ی فعالیت	سال	درصد مالکیت خارجی	درصد مالکیت آمریکایی ها
توتال	نفت و گاز	۱۹۹۴	۵۸ درصد	۳۵ درصد
آونتیس	داروسازی	۱۹۹۳	۵۶ درصد	۳۵ درصد
آلکاتل	تجهیزات ارتباطات	۱۹۸۷	۵۰ درصد	-
سینت گوبن	تجهیزات تولید	۱۹۸۶	۴۸ درصد	۳۱ درصد
پاریباس	بانکی	۱۹۸۷	۴۵ درصد	-
رینالت	خودروسازی	۱۹۹۶	۲۶ درصد	-
تامسون	الکترونیک	۲۰۰۰	۲۰ درصد	-
تیلز	الکترونیک	۱۹۹۸	۱۵ درصد	-
فرنس تلکام	مخابراتی	۱۹۹۷	۱۱ درصد	۳ درصد
تی اف وان	شبکه ی تلویزیونی	۱۹۸۷	۲۸٫۱ درصد	۱۲٫۵ درصد

برخی از کارشناسان ضد گلوبالیسمی فرانسوی چنین اذعان نموده اند: «درصد قابل توجهی از رکود اقتصادی فرانسه در این سال ها (۲۰۱۸) متأثر از وابسته ساختن اقتصاد کشور به کشورهای اروپایی و آمریکا می باشد... به نحوی که مالکیت قسمت قابل توجهی از شرکت های خصوصی، متعلق به بیگانگان می باشد و بیگانگان در خصوص بسیاری از تصمیمات مهم و کلان مربوط به این شرکت ها به نحو مستقیم یا غیرمستقیم تصمیم اتخاذ می نمایند یا به تصمیمات اتخاذی جهت می بخشند... یا آنکه عملاً بسیاری از شرکت ها مجبور هستند در اتخاذ تصمیمات خود، به اتحادیه ی اروپا توجه نمایند... در سالیان اخیر نیز میزان مداخلات کشورها به حدی علنی و واضح شده است، که کشورهای نظیر آمریکا صراحتاً در قراردادهای شرکت های فرانسوی مداخله نموده و آنان را وادار به برهم زدن قرارداد یا ایفای تعهدات به نحوی که مقرر می نمایند، می نمایند. به عنوان مثال آمریکا بارها شرکت توتال را مجبور به مبادله با دلار نموده است یا از انعقاد معامله با شرکت های خاور دور و خاور میانه بر حذر داشته است... قسمت عمده ای از این وابستگی، در جریان خصوصی سازی و انتقال سهام شرکت ها به بیگانگان رخ داده است و درصد قابل توجهی، ناشی از پدیده ی ادغام شرکت ها می باشد...» (منسون، ۲۰۲۰، ۱۹۶)

برخی دیگر از ملی گرایان ضد صهیونیسم فرانسوی نیز اقتصاد فرانسه را به سبب گلوبالیستی شدن و پیوند با اقتصاد آمریکا و سایر کشورها، رو به افول دانسته اند و مشکلات اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، رشد شمار بی خانمان ها و زندگی خیابانی و ... را به همین سبب دانسته اند و راهکار نجات اقتصاد فرانسه را بازگشت به ملی گرایی و نجات ملی معرفی نموده اند. (آرتور، ۲۰۱۹، ۲۴)

نتیجه گیری:

ما حاصل عرائض نگارنده را می توان چنین مبین و مدون نمود که خصوصی سازی در کشور فرانسه، منحصر به انتقال سهام شرکت های ملی به بخش خصوصی می باشد و در طی سالیان مبادرت به این فرآیند، انتقال به سه شکل عرضه ی مستقیم، عرضه از طریق بازار بورس و انتشار اوراق قرضه ی قابل تبدیل به سهام محقق گردیده است و النهایه شرکتی در زمره ی بخش خصوصی قلمداد می گردد که حد اقل یک سوم از سهام آن به بخش خصوصی منتقل شده باشد. در برهه ی زمانی ۱۹۸۶ الی ۱۹۸۸، سیاست انتقال شرکت های ملی به بخش خصوصی، از انتقال حد اکثری سهام پیروی می نمود حال آن که پس از به قدرت رسیدن میتران و اتخاذ نظریه ی "نه ملی شدن و نه خصوصی سازی"، میزان انتقال سهام به بخش خصوصی، تا حد اکثر یک سوم تقلیل یافت. حال آنکه پس از به قدرت رسیدن ژاک شیراک در سال ۱۹۹۳، سیاست انتقال حد اکثری سهام مجدداً قوت یافت. نکته ی حائز اهمیت آن است که مبادرت به خصوصی سازی در کشور فرانسه با مقاصدی چون "رفع فساد"، "کاهش نقش دولت در اقتصاد"، "افزایش بهره وری شرکت ها"، "ارتقای رفاه عمومی"، "توسعه ی سرمایه گذاری خارجی در کشور" و نهایتاً "شکوفایی اقتصادی" در دول مختلف در دستور کار قرار گرفته است.

برخی از اقتصاددانان فرانسوی کاهش قیمت برخی از اقلام من جمله خودرو و مسکن در برهه ی زمانی ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۲ م را از دستاوردهای مهم خصوصی سازی قلمداد نموده و در نهایت خصوصی سازی در این برهه را امری مطلوب و نایل به مقصود



تلقی نموده اند حال آنکه اندیشمندان دیگری، بالعکس فقر عمومی جامعه در آن سالیان را علت کاهش اقلام فوق الذکر معرفی نموده اند. همچنین عده ای از اندیشمندان فرانسوی افزایش مالیات شرکت های واگذار شده به بخش خصوصی را به نیکی نگریسته و چنین امری را همسو با غایات اساسی خصوصی سازی در فرانسه نظیر افزایش درآمد دولت و انتفاع عموم تلقی می نمایند و اتفاقاً چنین امری را دال بر شکوفایی اقتصادی و احیای فعالیت شرکت ها و افزایش درآمد بخش خصوصی می دانند حال آنکه عده ای دیگر پرداخت مالیات های افزایش یافته توسط بخش خصوصی را دلیل بر استعمار اقتصادی شرکت های خصوصی و در نهایت پیامدی نامطلوب از خصوصی سازی ناصحیح قلمداد نموده اند که دستاورد آن چیزی جز تعدیل نیروی شرکت ها و فزونی قروض و بدهی های آنان نبوده است لذا قول سومی نیز وجود دارد که تعدیل نیروی انسانی در شرکت ها پس از خصوصی سازی، اقدامی صحیح و رافع فساد سابق مدیران پیشین مبنی بر استخدام نیروی کار مضاعف بر نیاز و ایجاد اشتغال برای دوستان و آشنایان آنها بوده است. در نهایت جان سخن نگارنده آن است که اولاً بسیاری از اندیشمندان فرانسوی در خصوص اصل مصادیق پیامدهای خصوصی سازی دارای اختلاف نظر می باشند و ثانیاً در وهله ی دوم، هر یک از آنان با منظر و پیش فرضی متفاوت در خصوص مثبت یا منفی بودن، کارآمد یا ناکارآمد بودن، مصلح یا مفسده افزون بودن و ... این مصادیق به ارائه ی تحلیل های مختلفی مبادرت نموده اند. لذا اظهار نظر مطلق در خصوص کارآمدی یا ناکامی خصوصی سازی در کشور فرانسه امکان پذیر نمی باشد اما نکته ی حائز اهمیت آن است که نظر اکثریت اندیشمندان فرانسوی بر آن است که خصوصی سازی در فرانسه با دو پیامد مثبت "کاهش فساد" و "رفع انحصار" همراه بوده است و چنین دستاوردی و امदार عملکرد صحیح کمیسیون انتقال در حوزه ی امر نظارت بوده است اما فرآیند مذکور دارای آثار نامطلوبی نظیر خدشه ی استقلال اقتصادی، استعمار اقتصادی و جولان کشورهای بیگانه به سبب انتقال سهام شرکت های ملی به اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی نیز بوده است.

التهایه از نظر نگارنده تجربه ی خصوصی سازی در کشور فرانسه موید آن است که خصوصی سازی همچون شمشیری دو دم و بران است که مبادرت سنجیده به آن می تواند سبب تعالی اقتصادی جامعه گردد (مانند رفع انحصار و کاهش قیمت ها) و بالعکس عملکرد ناصحیح در این خصوص می تواند جامعه را متحمل زیان های جبران ناپذیر و شرایط نامطلوب اقتصادی غیر قابل بازگشتی نماید. (نظیر استعمار اقتصادی کنونی فرانسه) همچنین خصوصی سازی را نمی توان به مثابه ی نسخه ای مطلقاً مثبت به تمامی جوامع توصیه نمود. اصل مصلحت اعمال خصوصی سازی، شیوه های تحقق آن و سیاست های تقنینی پس از آن به تناسب شرایط هر جامعه متفاوت می باشد. کما اینکه در کشور فرانسه، دولتمردان شیوه ی تبلور عملی خصوصی سازی را به سبب زائل نمودن جریان ملی سازی شرکت ها، منحصر به انتقال سهام به بخش خصوصی تشخیص دادند حال آنکه ممکن است در کشوری دیگر به سبب وجود شرایط متفاوت، انتقال سهام به بخش خصوصی تجویز نگردد و خصوصی سازی صحیح در قالب اصلاح قوانین موجود صحیح تر جلوه نماید و موثرتر واقع شود.

## فهرست منابع

کتاب:

- Durupty, Mark, (1988), *Les Privatizations En france*, Documentation Francaise Pub, Paris.
- Feldman, William, (2016), *Privatizing war: Amoral Theory*, Routledge publishes, New York.
- Geatner, Gilles, (2012), *La Corruption En France*, Bourin Pub, Paris
- Gounev, Philip, (2012), *Corruption and organazied Crimes in europ*, Routledge Pub, Beijing
- Jacquillat, Betrand, (1988), *Nationalization and privatization in contemporary France*, Hoover Institution Press, Paris.
- Leroux, Robert, (2016), *Political, Economy and Liberalism In France*, Routledge Pub, Paris
- Manson, Astrix, (2020), *Globalization And france*, Tsinghua university press, Beijing
- Leroux, Robert, (2016), *Political, Economy and Liberalism In France*, Routledge Pub, Paris
- Parker, David, (2009), *The official history of Privatization: The formative years 1970 – 1987*, Routledge Pub, Washington Dc
- Zahariadis, Nicolaos, (1995), *Markets, States and Public Policy: Privatization in Britain And France*, The Univercity Of Michigan Press

مقالات

- Berne, Michel & Pogorel, Gerard, (2004), *Privatization Experience in France*, Cesifo working journal, No 1195, p1 – 60
- Tracy, Arthor, (2019), *OECD Economic SurveysFrance*, OECD Journal.